

قانون حکمیت

مصوب ۱۳۰۶/۱۲/۲۹



- قانون تسریع محاکمات
- قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی

آخرین ویرایش این قانون را از اینجا در پایگاه خبری ببینید

ماده اول- هرگاه در دعاوی حقوقی یکی از متداعیین محکمه صلح، بدایت و تجارت از محکمه تقاضا کند قطع دعوی بطریق حکمیت انجام گیرد محکمه طرف دیگر دعوی را به موافقت یا این تقاضا تکلیف و مطابق مواد ذیل رفتار خواهد کرد مشروط بر اینکه تقاضای حکمیت تا آخر جلسه اول محاکمه بعمل آمده و دعوی در آن محکمه بدایتاً طرح شده باشد.

ماده دوم- هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی‌علیه در موعد مقرر تعیین حکم ننماید محکمه از طرف ممتنع حکم او و همچنین حکم ثالث را به قرعه مطابق ماده ۴ تعیین خواهد کرد. هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی‌علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف و چنانکه تا دو ماه مدعی حکم خود را معین ننماید محکمه قرارداد عرضحال را صادر خواهد نمود و این قرار قابل استیناف و تمیز نیست.

ماده سوم (منسوخ ۱۳۰۹/۴/۳)- محکمه در محاکمات عادی بعد از وصول اولین جواب کتبی مدعی علیه و در محاکمات اختصاری بعد از استماع جواب مدعی علیه در اولین جلسه قرار حکمیت صادر خواهد کرد ولی قبل از صدور قرار حکمیت باید به ایرادات مدعی‌علیه رسیدگی کرده قرار رد یا قبول ایراد را بدهد.

هرگاه پس از رأی محاکم عالی یا بواسطه انقضاء مدت استیناف و تمیز قابل استماع بودن دعوی و صلاحیت محکمه و متداعیین محرز شده محکمه قرار ارجاع حکمیت خواهد داد. این قرار قابل استیناف و تمیز نیست.

ماده چهارم- ممکن است طرفین یکنفر را به تراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام یک حکم معین کرده و حکم ثالث را به تراضی تعیین نمایند. هرگاه در تعیین حکم ثالث تراضی نشود محکمه در جلسه که برای تعیین حکم و تنظیم حکم نامه مقرر داشته با حضور متداعیین از بین عده از اتباع ایران که کمتر از سه نفر نباشد و محکمه آن‌ها را نسبت بسنخ دعوی بصیر و خبیر بداند حکم ثالث را به قرعه معین خواهد کرد.

تبصره- صورت اسامی اشخاصی که به قرعه گذاشته خواهد شد سه روز قبل از جلسه باید به طرفین داده شود.

ماده پنجم- اشخاص ذیل نمی‌توانند حکم ثالث شوند و خود آن‌ها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند مگر به تراضی طرفین:

الف) کسی که در دعوی مطروحه ذی‌نفع باشد.



کتابفروشی حقوقی
دادبازار



کتابفروشی حقوقی
هوروند

پایگاه خبری
اخبار

(ب) کسی که شخصاً یا زوجه‌اش یا یکی از متداعیین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سیم دارد.

(ج) کسی که قیم یا کفیل یا مباشر امور یکی از متداعیین است یا یکی از متداعیین مباشر امور او است.

(د) کسی که خود یا زوجه‌اش وارث یکی از متداعیین است.

(ه) کسی که با یکی از متداعیین یا اشخاصی که با آنها قرابت سببی یا نسبی تا درجه سوم دارد محاکمات جنائی یا جنحه داشته یا دارد.

(و) کسی که مابین او یا زوجه او یا اقربای نسبی او تا درجه سوم و یکی از متداعیین یا زوجه او یا اقربای نسبی تا درجه سوم دعوای حقوقی مطرح است.

تبصره- امتناع فوق‌الذکر و رد از طرف متداعیین باید از طرف حکم قبل از قبول حکمیت و از طرف متداعیین قبل از قرعه بعمل آید مگر اینکه علت رد و امتناع پس از قرعه و قبل از صدور رأی حکمیت ایجاد گردد.

ماده ششم- کسانی که بوسیله قرعه می‌توانند حکم شوند که سن آنها بالغ به سی سال شمسی شده، در مقر محکمه حضور داشته و طرفین قبل از قرعه در رد آنها متفق نباشند. قضات و اعضاء پارکه نمی‌توانند در حوزه مأموریت خود قبول حکمیت نمایند مگر به تراضی طرفین.

محکومین به جنحه و جنایت و اشخاصی که بعنوان جنحه و جنایت در تحت تعقیب هستند نمی‌توانند مطلقاً به حکمیت معین شوند.

ماده هفتم- پس از تعیین حکم محکمه قرارنامه حکمیت را تنظیم کرده و فوراً به امضای طرفین دعوی و منتها در ظرف سه روز به امضای حکم‌ها می‌رساند هرگاه یک یا چند نفر از حکم‌ها از قبول حکمیت استنکاف نمایند در ظرف سه روز پس از استنکاف به جای مستنکف مطابق ماده هشتم تعیین حکم خواهد شد پس از قبول حکمیت حکم‌ها یکنفر از بین خود معین خواهند کرد که محکمه سواد اوراق و اسناد طرفین را پیش او بفرستد.

در صورتی که حکم یک نفر باشد سواد اوراق و اسناد پیش او فرستاده می‌شود. در قرارنامه حکمیت نکات ذیل قید می‌شود:

الف- اسم و اسم خانواده و شغل متداعیین و حکم.

ب- میزان مدعی به ترتیبی که در مواد راجع به عرض حال مقرر است.

ج- مدت حکمیت.

مدت حکمیت را که کمتر از سه و بیش از سی روز نخواهد شد محکمه معین می‌نماید و ابتدای آن از روزی است که تمام حکم‌ها کتباً حکمیت را قبول نموده‌اند.



محکمه می‌تواند مدت حکمیت را به تقاضای اکثریت حکم‌ها یک مرتبه و به تراضی طرفین هر چند بار که تقاضا نماید تجدید کند.

کسی که قبول حکمیت کرد و قبل از اتمام عمل و دادن رأی بدون عذر موجه استعفاء نمود تا ده سال در هیچ قضیه نمی‌تواند حکم شود مگر به تراضی طرفین.

ماده هشتم- در صورتی که یکی از حکم‌ها تا سه جلسه مداخله و مسامحه از حضور نماید یا اصلاً سه جلسه حاضر نشود به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد:

الف- هرگاه حکم مشترک حاضر نشود، دو حکم دیگر رسیدگی کرده رأی خود را در صورت توافق در ظرف پنج روز خواهند داد والا محکمه به تقاضای یکی از متداعیین بر طبق ماده چهارم حکم مشترک دیگری تعیین می‌نماید.

ب- در صورت عدم حضور حکم مختص یکی از متداعیین، حکم مشترک فوراً توسط محکمه کتباً تعیین حکم دیگری را از طرف تقاضا خواهد کرد.

چنانچه از تاریخ ابلاغ تقاضای مزبور تا پنج روز حکم جدید حاضر نشود حکم مشترک و حکم مختص دیگری رسیدگی نموده رأی خواهند داد و در صورت عدم توافق محکمه بر طبق ماده چهارم حکم مختص را بقرعه معین خواهد کرد.

حکم‌ها در رسیدگی و حکم تابع مقررات **قانون اصول محاکمات حقوقی** نیستند ولی باید مخالفت با قوانین و شرائط قرارداد حکمیت ننمایند.

متداعیین اسناد و مدارک و لوايح خود را به حکم‌ها داده و حکم‌ها می‌توانند از آن‌ها توضیحات شفاهی بخواهند در رأی حکم باید اسم و شهرت متداعیین و حکم و موضوع منازعه اسناد و مدارک و دلائل رأی تصریح شود.

هرگاه پس از ختم رسیدگی دو نفر از حکم‌ها در رأی توافق نموده و حکم دیگر از امضای رأی امتناع نماید سایرین امضاء نمود و این امتناع را در حکم قید می‌نماید. حکمی که به امضای اکثریت حکم‌ها رسیده است آن اعتبار را دارد که به امضای تمام حکم‌ها رسیده باشد.

محکمه که قرار حکمیت داده مطابق رأی حکم ورقه اجرائیه صادر خواهد کرد.

ماده نهم- از حکم حکم غیر منفرد ده روز پس از ابلاغ می‌توان تقاضای تجدیدنظر کرد مگر اینکه در قرارداد حکمیت به تراضی این حق را اسقاط نموده باشند.

هیئت تجدیدنظر تشکیل می‌شود از دو نفر حکم مختص سابق به انضمام سه نفر از اشخاصی که یا به تراضی یا به طرق ذیل معین می‌شوند.

محکمه از بین شش نفر از اشخاصی که نسبت به سنخ دعوا آن‌ها را بصیر میداند و طرفین دعوا در رد آن‌ها اتفاق می‌نمایند سه نفر را به قرعه معین می‌کند حکم هیئت تجدیدنظر قطعی است.



تبصره ۱- در دعاوی که مدعی به بیش از ده هزار تومان است به جای تجدیدنظر فوق مستأنف به شرط دادن ودیعه (صدی چهار محکوم به) می تواند تقاضا کند که محکمه استیناف صلاحیت دار در رأی حکم های بدوی تجدیدنظر نماید حکم استیناف در صورتی که رأی حکم را تأیید کند قابل تمیز نیست و این استیناف مانع از تأدیه حق الزحمه حکم های بدوی نخواهد بود.

تبصره ۲- راجع به ودیعه موافق ماده ۴۹۸ قانون اصول محاکمات حقوقی رفتار خواهد شد.

ماده دهم- در موارد ذیل حکمیت مرفوع می شود:

الف- در صورت تراضی طرفین که باید کتباً به محکمه ابلاغ شود.

ب- در صورت فوت یا جنون یکی از متداعیین.

ج- اگر در حین رسیدگی کشف اوضاع و احوالی شود که مربوط به جنحه و جنایت و در حکم حکم نافذ و مؤثر بوده و تفکیک جهت حقوقی از جزائی ممکن نشود.

ماده یازدهم- حکم ها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بدهند و در صورتی که رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد محکمه به تقاضای یکی از متداعیین آن را فسخ می نماید. در موارد ذیل رأی حکم باطل و از درجه اعتبار ساقط است:

الف- در صورتی که حکم ها خارج از حدود اختیارات خود نسبت به مطلبی که موضوع حکمیت نبوده حکم داده (باشد، باشند).

ب- وقتی که بر خلاف سند رسمی حکم شده باشد.

ج- وقتی که طرفین باتفاق حکم، حکم را رد نمایند.

ماده دوازدهم- حق الزحمه هر یک نفر حکم های بدوی ربع عشر مدعی به است که طرفین دعوی بالسویه خواهند داد مگر اینکه حکم در رأی خود تقسیم را بین متداعیین بطریق دیگر قرار بدهد. حق الزحمه حکم های مشترک که برای تجدیدنظر تعیین می شوند سه ربع عشر مدعی به است که فقط کسی که تقاضای تجدیدنظر کرده است خواهد پرداخت حق الزحمه پس از رسیدگی و قطعی شدن رأی در صورت تقاضای تجدیدنظر پرداخته می شود و محکمه مربوطه مسئول وصول و ایصال آن خواهد بود.

تبصره- مخارج عدلیه بیش از آنچه در وقت تقدیم عرضحال داده می شود نخواهد بود و در صورت اقدامات اجرائی حق اجراء دو عشر عشریه است.

ماده سیزدهم- در صورت تراضی طرفین در هر مرحله ای از مراحل دعوی میتوان بحکمیت رجوع کرد و در این صورت حکم حکم قابل تجدیدنظر نخواهد بود.



ماده چهاردهم- هرگاه در محکمه انتظامی معلوم شد که معرفی محکمه اشخاص را به جهت حکم مشترک کلاً یا بعضاً طبیعی نبوده بلکه مستقیم یا غیر مستقیم مبنی بر تبانی و مذاکرات سابق بوده حاکم محکمه محکوم به انفصال ابدی خواهد شد.

ماده پانزدهم- نسبت به دعاوی حقوقی که فعلاً در مراحل بدوی مطرح است هرگاه یکی از متداعیین در جلسه اول بعد از تصویب این قانون تقاضای حکمیت نماید بر طبق این قانون رفتار خواهد شد.

ماده شانزدهم- مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ **اصول محاکمات حقوقی** ملغی است.

ماده هفدهم- این قانون پس از تصویب به موقع اجرا گذاشته شده و وزارت عدلیه مأمور اجرای آن است.

این قانون که مشتمل بر هفده ماده است در جلسه لایله بیست و نهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

فقط بازنشر رایگان این فایل بدون تغییر در شکل و محتوای آن مجاز است

علیرضا شاهدوست - ۱۴۰۵/۶/۲۷



کتابفروشی حقوقی
دادبازار



کتابفروشی حقوقی
هوروند

پایگاه خبری
اخبار